

جلسه چهاردهم: ایمان (قسمت اول)

تشریح ایمان

۱- **فرق ایمان و علم:** ایمان یکی از کلمات پر کاربرد قرآن است. ایمان یعنی باور و اعتقاد، ایمان غیر از علم است، ممکن است کسی علم داشته باشد ولی ایمان نداشته باشد، باور نداشته باشد، ایمان آن پذیرش درونی است، آن در واقع چیزی است که گره خورده با باورهای انسان.

۲- **فرق اسلام و ایمان:** وقتی عده‌ای از اعراب گفتند ما ایمان آوردیم، خداوند در قرآن کریم به پیامبر ۶ فرمود: به ایشان بگو شما ایمان نیاوردید، شما اسلام آوردید ایمان هنوز در قلب‌های شما وارد نشده است: «قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَكِنَّا لَا نَدْخُلُ الْإِيمَانَ فِي قُلُوبِكُمْ» (الحجرات/۴۱)

زیباترین کلام در این رابطه از رسول خدا ۹ است که به امیرالمؤمنین ۷ فرمودند: علی جان این مطلب را بنویس. «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْإِيمَانُ مَا وَقَرَ فِي الْقُلُوبِ وَ صَدَّقَتْهُ الْأَعْمَالُ وَ الْإِسْلَامُ مَا جَرَى عَلَى اللِّسَانِ وَ حَلَّتْ بِهِ الْمُنَاقَحَةُ - ایمان آن است که در قلب‌ها جایگزین شود و کردارها تصدیق کننده آن باشد. و اسلام آن است که بر زبان جاری گردد، و زناشویی به آن حلال شود». (بحار؛ ج ۵۰ ص ۲۰۸) پس فرق است بین مؤمن و مسلم. اسلام یعنی صرف اظهار این که انسان خدا و پیامبر را قبول دارد، اگر کسی شهادتین گفت می‌شود مسلمان.

۳- **پیوند ایمان و عمل:** رسول خدا ۹ فرمود: «الْإِيمَانُ قَوْلٌ مَقُولٌ وَ عَمَلٌ مَعْمُولٌ وَ عِزْفَانُ الْعُقُولِ» (آمالی مفید ص ۲۷۵) ایمان هم پذیرش قلبی، هم عمل و هم سخن است. یعنی من هم به خدا باور داشته باشیم، هم به حرفش گوش بدهیم، هم اظهار کنیم، این می‌شود ایمان. یک فرقه‌ای در زمان بنی عباس گسترش پیدا کرد به نام مرجعه که می‌گفتند ایمان عمل نیست فقط اعتقاد است. دلت پاک باشد، حالا شما به نامحرم هم دست دادی، دادی؛ نماز هم نخواندی، نخواندی؛ الان هم بعضی‌ها این حرف را می‌زنند که دلت پاک باشد. شما قبول داشته باش نماز را ولی نخوان. رسول خدا ۹ فرمود: «لُعِنَتِ الْمَرْجُئَةُ عَلَى لِسَانِ سَبْعِينَ نَبِيًّا، الَّذِينَ يَقُولُونَ: الْإِيمَانُ قَوْلٌ بَلَا عَمَلٍ» (میزان الحکمه؛ ۱۳۳۵) خدا بر زبان هفتاد پیامبر مرجعه را لعنت کرده چون می‌گفتند ایمان سخن بدون عمل است. یعنی عمل را از دایره ایمان خارج می‌کردند.

۴- **محبت به ایمان فطری است:** نکته‌ای که باید به آن توجه بشود این است که خداوند در درون انسان محبت به ایمان و باورها و اعتقادات را قرار داده است. در قرآن می‌فرماید: «حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَ زَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَ كَرَّهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَ الْفُسُوقَ وَ الْعِصْيَانَ» (حجرات/۷) خداوند ایمان را در دل شما زیبا قرار داده اما کفر کراهت دارد؛ یعنی فطری است. اگر کسی ذائقه معنویت سالم باشد این را تشخیص می‌دهد که در درون انسان یک حس علاقه و یک حس محبتی به ایمان وجود دارد.

چهار رکن ایمان

امام رضا ۷ «الْإِيمَانُ أَرْبَعَةٌ أَزْكَانُ التَّوَكُّلُ عَلَى اللَّهِ وَ الرِّضَا بِقَضَاءِ اللَّهِ وَ التَّسْلِيمُ لِأَمْرِ اللَّهِ وَ التَّقْوِيصُ إِلَى اللَّهِ» (تحف العقول؛ ص ۴۴۵) ایمان چهار رکن دارد. اگر کسی ایمان دارد به خدا باور دارد، اول توکل، پس به خدا باید توکل کند. دوم راضی به حکم الهی است. سوم تسلیم است. کسی که ایمان دارد و خدا را قبول دارد، ممکن است حکمت احکام را هم نداند، اما راضی به قضای الهی است و تسلیم امر خدا است. خدا می‌فرماید: گوشت خوک، شراب، زنا، ربا و... حرام است، می‌گوید: چشم. چهارم: وظیفه‌اش را انجام می‌دهد و امور را به خدا واگذار می‌کند.

ایمان در قرآن

مجموعه آیاتی که در قرآن راجع به ایمان هست را می‌شود به دو دسته کلی تقسیم کرد:

۱- صفات مؤمن: بعضی از آیات می‌گویند که فرد مؤمن باید دارای صفاتی باشد. ایمان باید در بخش‌های مختلف زندگی مؤمن تاثیر بگذارد. بخش‌های؛ فردی، اجتماعی، سیاسی، عبادی، خانوادگی و... از این منظر اگر ما وارد بشویم آیات و روایات فراوانی داریم که وقتی می‌خواهد مؤمن را معرفی کند می‌گوید کسی ایمان دارد که این چند ویژگی را داشته باشد. تعدادش هم زیاد است به عنوان مثال در اصول کافی روایتی هست که ۱۰۱ صفت برای مؤمن بر شمرده است. این‌ها هیچ کدام هم یکدیگر را نفی نمی‌کند زیرا هر کدام از یک منظری به موضوع پرداخته است. به عنوان مثال در اول سوره مؤمنون هفت صفت مؤمنان را بر می‌شمارد که: در نمازشان خشوع دارند، به عهدشان عمل می‌کنند، حافظ قوای جنسی‌شان هستند و... (در روایت هست که اگر کسی این آیات را در زندگی‌اش پیاده و اجرا کند به بهشت می‌رود) و یا در ابتدای سوره انفال می‌فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ» مؤمن کسی است که نام خدا برده می‌شود دلش بلرزد، آیات قرآن که خوانده می‌شود ایمانش زیاد شود و... در دو آیه بعد هم می‌فرماید: «أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا» مؤمنان حقیقی و واقعی این‌ها هستند.

۲- خطاب به مؤمنان: قرآن ۸۹ بار مؤمنان را با لفظ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» مورد خطاب قرار داده و باید‌ها و نبایدهایی را برای ایشان مشخص نموده است. این آیات مجموعه‌ای از اوصاف و فضایل و رذایل اخلاقی را مشخص نموده است. به عنوان مثال فرموده است:

باید‌ها: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صَابِرُوا وَ رَابِطُوا. (آل عمران/۲۰۰)

باید‌ها: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ. (بقره/۱۵۳)

نباید‌ها: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْدِمُوا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ. (حجرات/۱)

نباید‌ها: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ ... وَ لَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ. (نساء/۲۹)